پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱
صص ۲۹-۶۲ (مقاله پژوهشی)

No. 31, Autumn & Winter 2022/ 2023

ریشه‌یابی فرقه‌شناختی و تطورسنجی روایات مجازات شیخین پس از ظهور در متون روایی شیعی

مهدیه پاکروان[۱]، علیمحمد ولوی[۲]، نصرت نیلساز[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۷/۸ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۷/۲۶)

چکیده

نُه روایت در بحارالانوار به مجازات و سوزاندن شیخین بـه دسـت قـائم اشـاره دارد. مسـاله ایـن پـژوهش تاریخ‌گذاری و ریشه‌یابی فرقه‌شناختی این روایات و نیز تطورسنجی آن‌هاست. بررسی منابع روایی فرق شـیعی یعنـی زیدیه، اسماعیلیه، نصیریه و دوازده امامی نشان می‌دهد که ریشه این گفتمان به حلقـه‌هـای غالیـان قـرن دوم بـه بعـد می‌رسد و شرح و تفصیل آن توسط خصیبی پیشوای نصیریان صورت گرفته است. افکار غالیانه، جریان شعوبی‌گری و عرب‌ستیزی در شکل‌گیری و فربه‌شدن این گفتمان نقش بسزایی داشته و اصل تبّری از اصول کلامی امـامی سـبب راه یافتن این روایات به برخی منابع امامی شده است. در آثار متقدم امامیه این مجازات در قالب عباراتی موجز و مشـابه فقط در انتهای دو روایت کمال‌الدین دیده می‌شود که تقطیع و تلخیصی است از آنچـه پـیش‌تـر در میـان غـلات رواج داشته است. در إسناد هر دو روایاتِ صدوق نام متهمان به غلو به چشم می‌خـورد. دلائـل‌الامامـه –کتـابی غالیانـه و مجهول‌المولف– نیز روایاتی در این موضوع دارد که متأثر از الهدایةالکبری است. بحارالانوار با تکرار چندباره روایات غلات و امامیه بسامد روایت را بالابرده است. تکرار این روایات در منابع اخباریان قرن یازده و بعد از آن این موضوع را در منظومه فکری امامیه برجسته کرده، حال‌آنکه ریشه این روایات به غلات و نصیری‌ها می‌رسـد. ایـن تحقیـق بـا روش تحلیل محتوا با طی کردن گام‌هایی چون جمع‌آوری داده‌ها، مقوله‌یابی و کدگذاری روایات، مقایسه کمّی و کیفـی آن‌ها و بررسی إسناد–متن روایات نتایج خود را ارائه داده است.

کلید واژه‌ها: *فرق شیعه، غلات، مجازات شیخین، مهدی، خصیبی، نصیریه.*

۱. دانشجوی دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران؛ m.pakravan@alzahra.ac.ir
۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ a.valavi@alzahra.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛ nilsaz@modares.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۱. بیان مساله

در روایات بعد از ظهور به مجازات گروه‌ها و افراد مختلفی اشاره شده که هر یک در جـای خود محل تحلیل و بررسی است. در این میان در منابع روایی عمـدتاً متـأخر امامیـه مجـازات خلیفه اول و دوم نیز مطرح شده است. همین امر سبب سؤالات این تحقیق شد که ایـن روایـات در متون متقدم امامیه دارای چه جایگاهی است؟ ریشه‌ها و مبانی آن چیست و آیا ایـن گفتمـان اصالتاً به امامیه تعلق دارد یا وام گرفته از دیگر فرق است؟ این تحقیق با بررسی این مضـمون در منابع روایی شیعی به دنبال تاریخ‌گذاری و ریشه‌یابی فرقه‌شناختی این دسـته از روایـات اسـت. بدین منظور آثار روایی امامی تا *بحارالانوار* و نیز منابع متقدم و مهم فـرق شـیعی یعنـی زیدیـه، اسماعیلیه و نصیریه بررسی شدند. سؤالات تحقیق عبارت است از: روایات مجازات شـیخین در متون کدام فرق شیعی و توسط چه کسانی روایت شده است؟ حاوی چه پیـام‌هـا و مقولـه‌هـایی است؟ در چه منابعی بازتاب یافته و به چه زمانی مـی‌رسـد؟ دارای چـه تطـوراتی اسـت؟ چـه عوامل و تفکراتی در شکل‌گیری آن‌ها نقش داشته است؟

۲. مقدمه

قبل از پرداختن به اصل مقاله یادکرد چند مطلب مقدماتی ضروری است.

۲-۱. پیشینه تحقیق

نگارندگان همین نوشتار در مقاله‌ای با عنوان "ریشه‌یـابی تفکـرات غالیانـه و شـعوبیِ روایات مجازات شیخین در متون نصیریه" به بررسی روایات مجازات شیخین و چرایی آن در متون نصیریه پرداخته‌اند و در واقع این تحقیق ادامه پژوهش یاد شده اسـت و از آن بـا اختصار، مقاله ۱ یاد می‌شود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۲-۲. روش تحقیق

تحلیل محتوا[1] فنی برای یافتن نتایج پژوهش از طریق تعیین عینی و منتظم ویژگی‌های مشخص پیام‌هاست (هولستی، سالارزاده امیری، ۲۶). این روش به محقق کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان و زیرین پدیده‌های مرتبط با پژوهش خود را به دست بیاورد. لاسول عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به‌منظور پاسخ دادن به این سؤالات می‌داند که چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید (کیوی، کامپنهود، نیک‌گهر، ۲۲۲). هولستی نیز تحلیل محتوا را تکنیکی می‌داند که در مواجهه با متن پاسخگوی سؤالات فوق باشد (هولستی، ۴۴). به عبارتی تحلیل محتوا به دنبال کشف چیستی و چرایی متن است. این تحقیق نیز با بومی‌سازی روش، متناسب با متون مورد بحث خود در پی پاسخگویی به سؤالاتی است که پیش‌تر بیان شد و در این راستا به لحاظ روشی گام‌های زیر طی شده است:

الف. جمع‌آوری داده‌ها: بررسی منابع روایی نشان می‌دهد که به لحاظ فرقه‌شناختی این روایات ذیل چهار گروه نصیری، اسماعیلی، غالی- امامی و امامی قرار می‌گیرند. این مضمون در روایات زیدی – حدود ۴۰ منبعِ بررسی‌شده – هیچ انعکاسی نداشته است.

ب. انتظام‌بخشی داده‌ها و تبدیل داده‌های کیفی به کمّی (مقوله‌یابی و کدگذاری): به جهت تسهیل در مقایسه، سنجش تغییرات و تحلیل مضامین، ابتدا داده‌های روایات مقوله‌بندی و سپس زیرمقوله‌ها تعیین و کدگذاری شده‌اند.

ج. تحلیل داده‌ها: برای تحلیل لازم است وضعیت کیفی و کمی مقوله‌ها و کدها بررسی و مقایسه شوند. با توجه به آن‌که متون مورد بحث این تحقیق روایی و دارای إسناد و متن است، علاوه بر متن در تحلیل داده‌ها بررسی إسناد نیز ضروری است. إسناد روایات علاوه بر متن، حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق خواهد بود و در تاریخ‌گذاری و تعیین تاریخ نشر حدیث نیز راهگشاست.

د. بیان نتایج: براساس گام‌های طی شده به سؤالات تحقیق پاسخ داده خواهد شد.

---

1. Content Analysis.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۲-۳. تعریف و تحدید واژگان

اثناعشری (دوازده امامی): به دوازده امام از علی‌بن‌ابیطالب تا محمدبن الحسن قائم آل محمد قائل‌اند (نوبختی، ۱۰۹-۱۱۲). منظور از امامیه در این تحقیق همین گروه است.

اسماعیلیه: از فرق شیعی که بعد از امام صادق‌ؑ قائل به امامت اسماعیل بن جعفر یا فرزندش محمدبن‌اسماعیل‌بن‌جعفرند و دارای انشعاب‌های مختلفی شدند (اشعری‌قمی، ۸۰-۸۴، شهرستانی، ۱۹۷/۱).

نصیریه: این فرقه منتسب به ابوشعیب‌محمدبن‌نصیرنمیری (۲۷۰ق.) از علماء اهل بصره است (ابن‌غضائری، ۹۹). وی معتقد به خدایی امام هادی‌ؑ بود. خود را باب امام‌عسگری‌ؑ و سپس امام‌زمان می‌دانست و نزدیکی با محارم را جایز می‌دانست (طوسی، *الغیبة*، ۳۹۸). باور به الوهیت ائمه و حلول خدا در امام علی و اولادش، اباحه‌گری، باطنی‌گری و تناسخ از اصول مهم عقاید نصیریان است (بزدوی، ۲۵۴؛ حمزةبن‌علی، ۱۶۳/۲-۱۷۴؛ قاضی‌عیاض، ۵۰۹/۲؛ شهرستانی، ۲۲۱/۱).

غلو: به معنی تجاوز از حد و حدود هر چیز است (راغب اصفهانی، ۶۱۳). غلات یا غالیه اسم عام فرقی است که امامان خود را از دایره مخلوقیت بیرون برده و به الوهیت می‌رساندند. همچنین باورهایی چون تناسخ نیز در میان آنان وجود داشته است (شهرستانی، ۱/ ۲۰۳-۲۰۴).

۳. جمع‌آوری داده‌ها

براساس گام‌های روش، ابتدا داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند. اطلاعات آثاری که حاوی مجازات شیخین‌اند در جدول ذیل ارائه و در پژوهش از علائم اختصاری آن‌ها استفاده می‌شود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

جدول ۱: اطلاعات و علائم اختصاری کتب حاوی مجازات شیخین

ردیف	فرقه	منبع	مؤلف	اختصار	آدرس
۱		*الحجب والانوار*	منسوب به محمدبن‌سنان	ح	*سلسلةالتراث‌العلوی* ۶، ۶۱
۲		*الهفت‌الشریف*	منسوب به مفضل‌بن‌عمر	ف	۱۶۴
۳		*دیوان اشعار خصیبی*	حسین‌بن‌حمدان‌خصیبی	ش	۴۳۲-۴۳۵؛ ۴۶۰-۴۶۱؛ ۴۹۰-۴۹۲؛ ۳۳۲-۳۳۴؛ ۵۱۸
۴	نصیری	*الهدایةالکبری*- روایت۱		هـ-۱	۳۰۴-۳۰۵؛ ۳۰۸؛ ۳۲۸
۵		*الهدایةالکبری*- روایت۲		هـ-۲	۱۱۷-۱۱۹
۶		*مختصر البدء والاعاده*	ابوعبدالله‌حسین‌بن‌هارون‌البغدادی‌صائغ	ب	*سلسلةالتراث‌العلوی* ۶، ۴۵۷
۷		*مجموع الاعیاد*	ابوسعیدمیمون‌طبرانی	ع	*سلسلةالتراث‌العلوی* ۳، ۳۵۲-۳۵۵
۸		*الطاعه متی تقوم‌الساعه؟*	منسوب به امیرالمؤمنین	ط	*سلسلةالتراث‌العلوی* ۹، ۳۸۷-۳۸۸
۹	اسماعیلی	*کتاب الکشف*- روایت۱	منسوب به جعفربن‌منصورالیمن	کش-۱	۳۳-۳۴
۱۰		*کتاب الکشف*-روایت ۲		کش-۲	۸۷-۸۸
۱۱	غالی- امامی	*دلائل‌الامامه*-روایت۱	مجهول‌المولف	د-۱	۴۷۹-۴۸۰
۱۲		*دلائل‌الامامه*-روایت۲		د-۲	۴۵۵-۴۵۶
۱۳		*دلائل‌الامامه*-روایت۳		د-۳	۵۳۹-۵۴۲
۱۴	امامی	*کمال‌الدین*-روایت۱	شیخ صدوق	ک-۱	۱/ ۲۵۲-۲۵۳؛ همچنین در *عیون‌أخبارالرضا*، ۵۸/۱-۵۹
۱۵		*کمال‌الدین*-روایت۲		ک-۲	۲/ ۳۷۷-۳۷۸
۱۶		*منتخب‌الانوارالمضیئه*- روایت۱	علی‌بن‌عبدالکریم نیلی‌نجفی	م-۱	۱۹۲
۱۷		*منتخب‌الانوارالمضیئه*- روایت۲		م-۲	۱۹۳

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

٤. مقوله‌یابی و کدگذاری

بعد از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات باید نظام‌مند و داده‌های کیفی به کمی تبدیل شـوند. این امر در جهت تسهیل در مقایسه، سنجش تغییرات و تحلیل مضامین صورت می‌گیرد. در این گام ابتدا داده‌های روایات مقوله‌بندی و سپس زیرمقوله‌ها تعیین و کدگذاری مـی‌شـوند. مجازات شیخین با اشکال و عبارات مختلفی در منابع روایی بازتاب پیدا کرده اسـت. ایـن مضمون ذیل ۵ مقوله دسته‌بندی شده که هر یک دارای چند زیرمقوله و به عبارتی کد است.

۱. حوادث خارق العادهٔ مرتبط بـا شـیخین (A): مجـازات شـیخین تـوأم بـا حـوادث خارق‌العاده‌ای گزارش شده که دارای ۴ زیرمقوله با کدهای زیر است:

جدول ۲: کدگذاری مقوله A

سرسبز شدن درخت خشک بعد از آویختن به درخت	تر و تازه بودن بدن به هنگام بیرون کشیدن از قبر	گفتگوی قائم با آن‌ها	وزیدن باد شدید و رعدوبرق هنگام خراب کردن قبر آن‌ها
A1	A2	A3	A4

۲. ابتلاء مردم به سبب حوادث خارق‌العاده (B): به سبب این حوادث خارق‌العاده مـردم امتحان می شوند و فتنه سختی در پیش خواهد بود:

جدول ۳: کدگذاری مقوله B

ابتلاء و امتحان مردم	سخت بودن فتنه آن روز
B1	B2

۳. مجازات شیخین (C): ذیل این مقوله بیشترین زیرمقوله‌ها بیان شده و به جزئیـات مسـاله مجازات اشاره دارد. اشکال مختلف مجازات شیخین در ۲۰ عنوان قابل دسته بندی است:

جدول ۴: کدگذاری مقوله C

تعیین جای قبر	خراب کردن قبر	بیرون آوردن از قبر	در آوردن کفن	با صورت روی زمین کشیدن
C1	C2	C3	C4	C5
بردن به بقیع	آویختن بر درخت	پایین آوردن از درخت و زنده شدن	سوزاندن	قصاص کردن
C6	C7	C8	C9	C10

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

عذاب کردن	نابود کردن	کشتن	پذیرفته نشدن هیچ مال و فدیه ای برای نجات	وزیدن باد سخت و کشنده
C11	C12	C13	C14	C15
به باد دادن خاکستر	به دریا دادن خاکستر	خسف در زمین	بازگشت مجدد و قصاص و عذاب مستمر	لعن کردن و برائت جستن
C16	C17	C18	C19	C20

۴. مجازات طرفداران شیخین (D): در برخی روایات، طرفداران شیخین نیز به ۵ صورت مجازات می شوند:

جدول ۵: کدگذاری مقوله D

کشتن	هلاکت با باد سیاه	سوزاندن	به باد دادن خاکستر	خسف در زمین
D1	D2	D3	D4	D5

۵. محاکمه شیخین و طرفداران آن‌ها (E): ۴ زیرمقوله بیانگر این محاکمه و نتایج آن است. اشکال مختلف این محاکمه و اعلان جرم عبارت است از:

جدول ۶: کدگذاری مقوله E

آشکار کردن قصد شیخین برای کشتن پیامبر و علی(ع)	مجرم شمردن شیخین به سبب همه گناهان تاریخ	اعتراف شیخین به همه گناهان	اعلان حکم مجازات (سوزاندن، به باد سپردن، پرتاب شدن به مکانی دور) و دلیل آن
E1	E2	E3	E4

۵. تحلیل داده‌ها (بررسی مقوله‌ها و اسناد- متن روایات)

در این بخش متن روایات ذیل عنوان چهار فرقه براساس مقوله‌های یاد شده و نیز نمودار إسناد تحلیل خواهند شد. جدول ۹ در پیوست نشان دهنده وضعیت کمّی و کیفی کدها در روایات منابع فرق شیعی است که در نهایت می‌تواند سبب سهولت مقایسه و حصول نتایج منطقی شود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۵-۱. منابع نصیری

چنانکه در پیشینه یاد شد در مقاله ۱ روایات مجازات شیخین در آثار نصیری بررسی إسناد- متن شده است. آن‌ها نسبت به شیخین تقیه نمی‌کردند و بسیار تند و بی‌محابا به ذم و ناسزاگویی خلفا می‌پرداختند. مقوله‌بندی و کدگذاری روایات مجازات شیخین در متون پیشانصیری و نصیری گویای تقدم این مضمون پربسامد در منابع آن‌ها نسبت به سایر فرق است (جدول۹). بررسی إسناد- متن این روایات نشان می‌دهد که از قرن دوم به بعد گفتمان مجازات شیخین در حلقات غالیان وجود داشته، اما پرداخت مفصل آن محصولی است از حسین‌بن‌حمدان که تحت‌تأثیر تعالیم استادش جنبلانی (۲۸۷ ق.) رخ داده و این گفتمان را در *الهدایة* و اشعارش فربه کرده است (جمعا ۶۸ کد/ جدول۹). بعد از او شاگردانش مانند حسین‌بن‌هارون و طبرانی با داستان‌هایی جدید به این ماجرا دامن زدند. براساس پژوهش یادشده تفکرات غالیانه و نیز شعوبی‌گری و ضدیت ایرانیان با عرب و خلیفه دوم از عوامل شکل‌گیری و فربه‌شدن این مضمون است. غلات و نصیریان به چنین شاخصه‌های هویتی برای موجه‌سازی خود نیاز داشتند، چون می‌توانست اسباب نضج بیشتر هویت فرقه‌ای آنان را فراهم کند.

در میان روایات نصیری‌ها دو روایت *الهدایة* (هـ-۱) و (هـ-۲) دارای اهمیت ویژه‌تری است زیرا به منابع امامی نیز راه پیدا کرده است. إسناد- متن این روایت در مقاله ۱ بررسی شده است.

۵-۲. منابع اسماعیلی

در این پژوهش بیش از ۵۰ اثر اسماعیلی. بررسی شده[۱] که در بین آن‌ها تنها دو روایت

---

۱. آثار ابوحاتم رازی (الاصلاح، اعلام‌النبوة)، قاضی نعمان (افتتاح‌الدعوة، الارجوزة المختارة، شرح‌الاخبار، اساس‌التاویل، دعائم‌الاسلام، اختلاف اصول المذاهب، المجالس‌و المسایرات، تاویل‌الدعائم)، ابویعقوب سجستانی (الینابیع، کشف‌المحجوب، الافتخار، اثبات‌النبوات، تحفة المستجیبین، جعفربن‌منصورالیمن (سرائر، الکشف، العالم و الغلام، الرضاع‌فی‌الباطن)، حمیدالدین کرمانی (الریاض، الرسالةالوضیة، المصابیح‌فی‌اثبات‌الامامة، راحة‌العقل، الاقوال‌الذهبیة، مجموعه‌رسائل‌الکرمانی (شامل یازده رساله))، ناصرخسرو (وجه‌دین، خوان‌الاخوان، جامع‌الحکمتین)، علی‌بن‌محمد ولید (دامغ الباطن، تاج‌العقائد، الذخیرة فی‌الحقیقة، الایضاح‌والتبیین، تحفة المرتاد)، ادریس‌بن‌حسن عمادالدین داعی (عیون‌الاخباروفنون‌الآثار، زهرالمعانی)، همچنین شجرةالیقین اثر داعی قرمطی عبدان، رسائل‌اخوان‌الصفا، اثبات‌الامامة اثر احمدبن‌ابراهیم نیشابوری، الدوحة اثر المؤیدفی‌الدین هبةالله‌بن‌ابی←

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

در کتاب *الکشف* به مجازات شیخین پرداخته است.

۵-۲-۱. کتاب الکشف

این کتاب منسوب به جعفربن‌منصورالیمن است. ابن‌حوشب یا منصورالیمن از داعیان عبدالله‌بن‌میمون قداح به سمت یمن برای گسترش دعوت اسماعیلیان بود و اسماعیلیه یمن را بنیان گذارد. جعفر عالم و داعی اسماعیلی اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم فرزند اوست. وی پس از اختلافاتی که میان او و برادرش رخ داد در سال ۳۲۲ ق. از یمن به مغرب رفت و نزد خلفای فاطمی جایگاهی رفیع یافت تا جایی که هم‌طراز قاضی نعمان (۳۶۳ق.) یا برتر از او شد. آثار مختلفی از جمله *الکشف* بدو منسوب شده است. نویسنده در این کتاب ۶ رساله‌ای آیات قرآن را تأویل باطنی کرده است. مؤلف ذیل آیات متعددی به قائم، ظهور و شمشیر و عذاب او بر مخالفان و دشمنان اشاره کرده است. روایات این کتاب عموماً بدون إسناد است و گاهی به نقل از امام صادق‌علیه‌السلام یا با مرجعی نامعلوم به نام قال الحکیم‌علیه‌السلام بیان شده است. در این کتاب دو روایت و مجموعاً ۹ کد به مجازات شیخین اختصاص دارد (جدول۹) که روایت دوم فقط ناظر بر خلیفه اول است.

روایت کش-۱: در رساله اول علاوه بر آیات مختلفی که تأویلشان قائم و شمشیر و عذاب اوست، ذیل چند آیه مفصل‌تر به بیان حوادث مرتبط با مهدی و قائم پرداخته است. طبق یکی از روایات قائم بعد از ورود به مدینه و اقامه نماز عصر به سراغ قبر شیخین می‌رود، قبر را خراب می‌کند و آن‌ها را بیرون می‌کشد (C1,C2,C3). سپس رمزگونه [illegible] بیان می‌کند که آن‌ها برمی‌خیزند و خودشان به اعمالشان اعتراف کرده و از آن خبر می‌دهند (E3) و قائم امر می‌کند که به دار آویخته شوند (C7). وی در میان مردم و طرافدارنشان نیز شمشیر

→ عمران شیرازی، کنزالولد اثر ابراهیم‌بن‌حسین حامدی، سمط‌الحقائق اثر علی‌بن‌حنظله وداعی، الکافیهٔ اثر محمدبن‌سعدبن‌داود رفنه، کشف‌البراهین اثر محمدبن‌ابی‌جمهور احسائی، الایضاح اثر ابوفراس مینقی، مسائل‌فی‌الحقایق‌وجواباتها و رسالةالامم‌الاعظم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

می‌کشد (D1). در این هنگام است که همه اعمال خلفا مکشوف و بدعت‌هایشان خاموش می‌شود (E5) و درنهایت حق به اهلش می‌رسد.

روایت کش-۲: در اواخر رساله سوم در تفسیر آیه ۹ سوره حج در اشاره به عذاب حریق عده‌ای که مردم را با تکبر و بی‌اعتنایی از راه خدا گمراه می‌کنند، نویسنده به روز غدیر اشاره می‌کند و عذاب الهی را ناظر بر عتیق یعنی خلیفه اول می‌داند. در آیه بعدی عذاب حریق را به قیام قائم بالسیف تفسیر می‌کند. در آن روز ابوبکر ۷۰ هزار بار کشته و سوزانده می‌شود (C9, C13). سپس نویسنده به تفصیل معنای باطنی قتل را تفسیر می‌کند که ۷۰ نفر از بهترین ابواب، حجج و ایادی از مؤمنین که با هر ناطقی ظهور می‌کنند، همراه قائم نیز خواهند بود و در قالب ۷۰ هزار کلمه علیه ابوبکر شهادت می‌دهند و نفاقش را آشکار می‌کنند. معنای ۷۰ هزار بار سوزانیدن نیز آنست که با ۷۰ هزار کلمه استحقاق او را برای آتش ذکر و علت آن را نیز بیان می‌کنند. معنای باطنی نیز این است که ۷۰ هزار زبان اهل صدق و ایمان ،برگزیدگان قائم و یاران او، عیوب و گناهانش را برمی‌شمارند. در این روایت از واژه‌های رمزی ۶۱۶۴ و ۵۲ ۵ ۳۴ ۸ برای عتیق و ابوبکر استفاده شده است.

بررسی إسناد- متن: روایت کش-۱ دارای إسناد نیست و با «و قال و سالت اباعبدالله» شروع می‌شود. حدود ۲۰ صفحه قبل از این روایت مفضل‌بن‌عمر سؤالی از امام صادق﵇ می‌کند و احتمالاً در این روایت نیز راوی همچنان هموست. روایت کش-۲ هیچ إسناد و راوی‌ای ندارد و تفاسیر خود مفسر از آیه است.

تاریخ‌گذاری کتاب *الکشف*: وابستگی فرقه‌ای و زمان تألیف این کتاب دارای اهمیت است. این کتاب اگرچه به جعفربن‌منصورالیمن منسوب است ولی دلایل زیر نشان می‌دهد که کتاب دارای چند لایه است و لااقل تمام این کتاب به دوره پس از شکل‌گیری فاطمی برنمی‌گردد. حداقل بخش‌هایی از کتاب را می‌توان متعلق به حلقات غالیان قرن سوم یا اسماعیلیان نخستین دانست. گفتنی است که حلقه اتصال غلات و اسماعیلیه را می‌توان در ابوالخطاب (۱۳۸ق.) و پیروانش دانست. وی که پیشوای یکی از گروه‌های بزرگ غالیان در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

نیمه نخست سده دوم است را یکی از بنیان‌گذاران اسماعیلیه دانسته‌اند تا جایی که خطابیه یعنی پیروان ابوالخطاب را با اسماعیلیه نخستین یکی دانسته‌اند (اشعری‌قمی، ۸۱؛ صابری، ۳۲۱/۲-۳۲۲). در *ام‌الکتاب* که یکی از آثار متقدم غالیان خطابی و اسماعیلیه نخستین است آمده: مذهب اسماعیلی آن است که فرزندان ابوالخطاب نهادند که تن خود را به فدای فرزندان جعفرصادق، اسماعیل کردند (*ام‌الکتاب*، ص ۵۰). با این توضیحات نشان می‌دهیم که شاخصه‌هایی در ادبیات غالیان، خطابیان و نصیریان وجود دارد که در منابع اسماعیلی دیده نمی‌شود ولی در *الکشف* وجود دارد:

۱- در *الکشف* برخی عبارات به‌صورت رمز نوشته شده‌اند. عمده این عبارات مربوط به سه خلیفه اول است. این رویکرد در منابع نصیری ادامه پیدا کرده است اما نه به شکل رمز بلکه به‌صورت نام‌گذاری. البته این نام‌گذاری‌ها در برخی منابع امامی نیز گاها دیده می‌شود، ولی در متون نصیری این نام‌ها و عناوین خودساخته فراوان و پربسامد است. عناوینی چون ادلم، زازمد، سکد، زفر، ضلال و وبال (برای نمونه نکـ. ابن‌مقاتل قطیعی، ۶۷؛ جنبلانی، ۲۴۵ و ۲۵۳؛ خصیبی، *الهدایةالکبری*، ۳۰۸؛ طبرانی، *الجوهریة*، ۳۲). در *الکشف* علاوه بر رموز گفته‌شده یک‌بار هم خلیفه دوم با نام زفر آمده است (منسوب به جعفربن‌منصورالیمن، ۳۱). چنین رویکردی در منابع اسماعیلی دیده نمی‌شود.

۲- انتساب روایات به جابربن‌یزید جعفی و مفضل‌بن‌عمر در میان غلات بسیار شایع بود. آثار پیشانصیری چون آثار مفضلیه نمونه‌هایی ازاین‌دست است. *ام‌الکتاب* نیز به رؤیای جابر معروف است و سراسر روایت نقلی از جابر است. چنین رویکردی به‌طور گسترده در منابع نصیری نیز دیده می‌شود. در رساله اول *الکشف* نیز سلسله روایاتی به نقل از جابر و مفضل آمده است. چنین توجهی در منابع اسماعیلی دوره فاطمی نسبت به جابر و مفضل وجود ندارد.

۳- در منابع غلات خطابی مانند *ام‌الکتاب* جایگاه ویژه‌ای برای سلمان در نظر گرفته شده است. بارها اسم او که با لفظ سلسل نیز یاد شده به دنبال نام مصطفی به‌عنوان آل او

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

همراه با ابوالخطاب آمده است. خداوند هفت آسمان و زمین و آدم و بشر را به دست سلمان آفریده است (*ام‌الکتاب*، ۹۴–۹۵). نام او در کنار مقداد، ابوذر و گاه عمار تکمیل‌کننده حلقه‌ای مقدس است (*ام‌الکتاب*، ۴۵). آنچه که بعدها در منابع نصیری پروبال بیشتری گرفت و سلمان به‌عنوان باب السیدمحمد (پیامبر) با تمامی انبیاء و اولیاء با اسامی مختلف ظهور داشته و با غیبت امام دوازدهم او نیز غیبت می‌کند و هنگام ظهور او همراهش خواهد بود (خصیبی، *الرسالة الرستباشیة*، ۵۳–۵۷). در کنار جایگاه بلند سلمان، مقداد و ابوذر نیز جایگاه ویژه و حضور پررنگی دارند (برای نمونه نکـ. محمدبن‌نصیر، ۲۰۱–۲۰۳). در کتاب *الکشف* نیز نام این سه تن به‌عنوان عیون ثلاثه و ابواب ثلاثه آمده است (منسوب به جعفربن‌منصورالیمن، ۷۰–۷۳). این در حالی است که در منابع نخستین فاطمی علی‌رغم بیان منزلت سلمان، چنین رویکردهای غلوآمیزی وجود ندارد.

۴– در *الکشف* از اصطلاح السیدالاکبر برای پیامبر استفاده شده است (همان، ۳). این اصطلاح به‌صورت السید محمد بعدها در منابع نصیری بارها تکرار شده هرچند گاهی نیز تعبیر السیدالاکبر آمده است (برای نمونه نکـ. محمدبن‌نصیر، ۲۰۱–۲۰۲؛ خصیبی، *الرسالة الرستباشیة*، ۷۸) اما منابع اسماعیلی چنین اصطلاحی ندارند. اصطلاح السید برای پیامبر به‌خودی‌خود غلو نیست اما این اصطلاح در ادبیات غالیانه بسیار پربسامد است (نکـ. اکبری، بخش۳–۲ و بخش۵–۳–۳).[۱]

۵– عذاب شیخین در دنیا توسط قائم در منابع نصیری بارها تکرار شده (نکـ. مقاله۱) و در این کتاب نیز آمده است در حالی‌که چنین گفتمانی در منابع اسماعیلی وجود ندارد.

گفتنی است دفتری نیز انتساب این کتاب را به جعفربن‌منصور رد کرده و او را تنها گردآورنده و تدوین‌کننده این اثر دانسته است (دفتری، ۱۲۵). همچنین انصاری که به‌طور مستقل مقاله‌ای درباره این کتاب نوشته در انتساب این رساله به جعفر تشکیک کرده و عمده آن را نوشته‌های غلات کوفی بین سال‌های ۲۶۰ تا ۲۹۰ هجری دانسته است. وی

۱. از آن‌جا که این کتاب در دست چاپ است و شماره صفحات آن امکان تغییر دارد به بخش مربوطه ارجاع داده شده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

برآنست که عناصر اصلی رساله نخست جزء «میراث مشترک» طیف‌های گوناگون شیعی و امامی نیمه دوم سده سوم قمری است و رساله سوم نیز به پیش از تشکیل دولت فاطمی برمی‌گردد (انصاری، منبع آنلاین).

در نهایت دو رساله اول و سوم این کتاب که روایات مجازات شیخین را بازتاب داده متعلق به دوره اسماعیلیان نخستین و متأثر از حلقات غالیان کوفه قرن سوم است. استفاده از حروف رمزی نیز این احتمال را تقویت می‌کند که این رساله مربوط به جامعه‌ای است که بیان چنین عقایدی ایجاد دشمنی می‌کرده است و نه در دولت شیعی فاطمیان.

۵-۳. منابع غالی-امامی

اگرچه *دلائل‌الامامه* کتابی است در میراث روایی امامیه ولی به دلایلی که بیان خواهد شد این کتاب را نباید در گروه امامی قرار داد.

۵-۳-۱. دلائل‌الامامه

دلائل اثر طبری آملی نیست، بلکه کتابی است چندلایه و مجهول‌المولف که هسته اصلی آن در قرن پنجم تدوین و تا قرن هفتم به آن افزوده شده است (پاکتچی، سراسر مقاله؛ سلطانی‌فر، رنجبر، ۷۱-۹۱). *دلائل* را باید کتابی غالی- امامی تلقی کرد زیرا:

اولاً برخی مفاهیم و اصطلاحات غالیانه مانند باب ائمه که در این کتاب با عنوان بوّاب آمده است به‌کرات دیده می‌شود. نویسنده ضمن معرفی امامان، ابوابشان را هم معرفی کرده است. او عناوین بواب را از خصیبی وام گرفته و در مسئله نواب‌اربعه نیز متأثر از هموست (نکـ. صفری فروشانی، ۲۲۳-۲۴۰). ثانیاً این کتاب با *الهدایةالکبری* اشتراکات گسترده‌ای دارد که می‌تواند نشان‌دهنده چارچوب فکری نویسنده باشد. به‌عنوان‌مثال مجموعه‌ای از روایات ابومفضل‌شیبانی با حذف نام حسین‌بن‌حمدان از *الهدایة* به *دلائل‌الامامه* وارد شده است (اکبری، بخش۱-۴-۲). این اشتراکات در روایات پیش‌رو نیز خواهد آمد. ثالثاً در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

سلسله راویان این کتاب، افرادی غالی یا متهم به غلو که کتاب‌هایی پیرامون ائمه داشتند دیده می‌شود (صفری فروشانی، ۲۳۴). آقابزرگ نیز به غالی بودن این اثر اذعان دارد (آقابزرگ، ۲۴۷/۸). به‌طورکلی *دلائل‌الامامه* با داشتن راویان ضعیف، مجهول، غالی و اشکالات تاریخی و اعتقادی اثری ضعیف به شمار می‌آید. در این کتاب سه روایت دربردارنده ۲۲ کد به مساله مجازات بعد از ظهور اختصاص دارد (جدول۹ و نمودار۱).

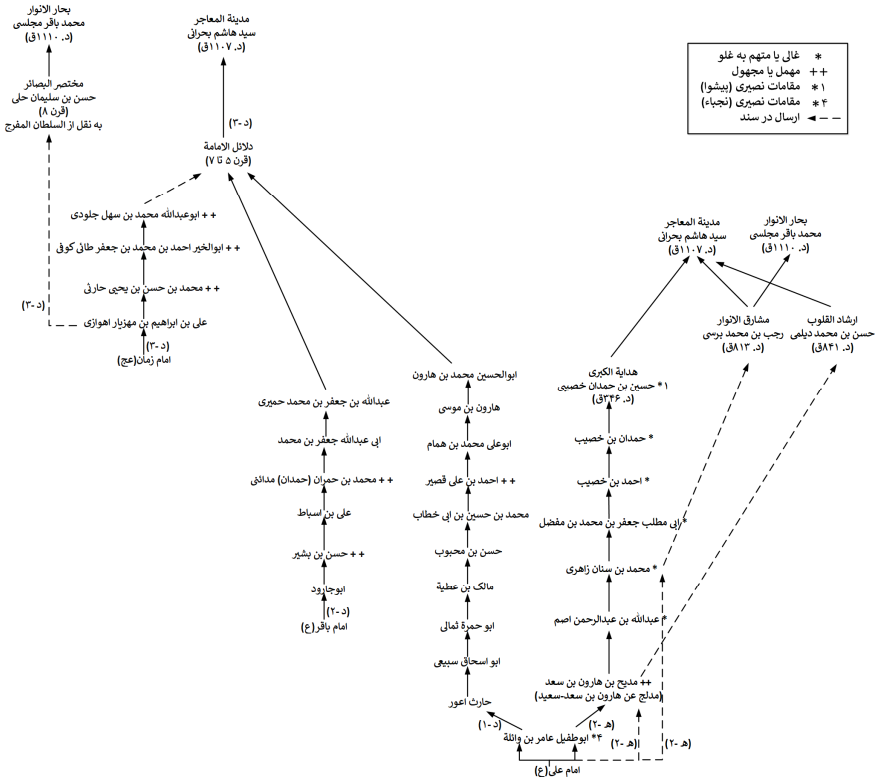

نمودار ۱: إسناد روایات مجازات شیخین در *دلائل‌الامامه*

روایت د-۱: در روایتی به نقل از ابوطفیل‌عامربن‌واثله گفتگوی امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام با عمر نقل شده است. این روایت تحریر مختصری از روایت *الهدایةالکبری* (هـ-۲) است و البته با إسنادی متفاوت (نمودار۱/ د-۱ و هـ-۲). به‌موجب این روایت امیرالمؤمنین به طعن عمر و برشمردن برخی اعمال او ازجمله ظلم و ستم‌هایش به عترت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله می‌پردازد و مصاحبش یعنی خلیفه اول را نیز با او شریک می‌داند. در نهایت با ۳ کد از مجازات‌هایی به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

دست فرزندش می‌گوید که در انتظار عمر و ابوبکر است. آن‌ها را از قبر بیرون می‌کشد (C3) در حالیکه تروتازه‌اند (A2) و به دار می‌آویزد (C7).

بررسی إسناد- متن: اولین بار الهدایة این روایت را ذکر کرده و مؤلف دلائل مختصری از آن را با إسناد و تحریری جدید آورده که در دیگر منابع ذکر نشده است. عموم راویان هـ-۲ غالی، متهم به غلو یا از مقامات نصیری‌اند (نک. مقاله۱). همین تحریر حسین‌بن‌حمدان است که به منابع امامی قرن نهم و یازدهم وارد شده است (بُرسی، ۱۲۵؛ دیلمی، ۲۸۵/۲-۲۸۶؛ بحرانی، ۴۴/۲ و ۲۴۳-۲۴۷؛ مجلسی، ۲۷۶/۳۰-۲۷۷). نکته قابل‌توجه آن‌که بُرسی و دیلمی راویان نصیری در إسناد الهدایه را حذف و به‌صورت مرسل از راویانی غیرنصیری روایت را آورده‌اند (نمودار۱)

إسناد روایت د-۱ با هـ-۲ اشتراکی ندارد و در آن احمدبن‌علی‌قصیر مجهول و از راویان خودساخته مؤلف است. راوی ساختگی نیز می‌تواند متأثر از *الهدایة* باشد، زیرا در آن کتاب راوی‌ای با نام احمدبن‌جعفرقصیر (خصیبی، *الهدایةالکبری*، ۱۶۲) وجود دارد و البته او نیز در منابع رجالی امامی مجهول است. در این روایت شیخین در بیداء به دار آویخته می‌شوند، در حالی‌که در (هـ-۲) بعد از تحریق شیخین، بیداء و خسف آن‌ها آمده است. در مجموع بی‌شک با روایتی ضعیف مواجهیم که عبارت‌پردازی جدیدی از روایت *الهدایة* است و به منابع روایی متأخر شیعه نیز وارد شده است.

راویت د-۲: در روایتی ابوجارود از امام‌باقر؈ درباره زمان قیام قائم می‌پرسد. طبق این روایت قائم بعد ناامیدی از شیعه ظهور می‌کند و پس‌ازآن جنگ‌های گسترده‌اش شروع می‌شود. در مدینه ۱۵۰۰ قرشی زنازاده را می‌کشد. سپس به مسجدالنبی می‌رود (C1)، قبر را خراب می‌کند و دو خلیفه را بیرون می‌کشد (C2,C3) درحالی‌که بدنشان تازه است (A2). با آن‌ها سخن می‌گوید و آن‌ها پاسخش را می‌دهند (A3). در این هنگام اهل باطل به شک می‌افتند و می‌گویند با مرده سخن می‌گوید؟(B1) از این رو پانصد نفر از آن‌ها را در کنار مسجد می‌کشد (D1). سپس آن دو نفر را با همان هیزم‌هایی که به در خانه فاطمه(س) جمع

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

کردند تا آن را آتش بزنند می‌سوزاند (C9). این هیزم‌ها نـزد امامـان بـه ارث مانـده اسـت. سپس قصر مدینه را خراب می‌کند و راهی کوفه مـی‌شـود. در کوفـه نیـز ۱۶ هـزار بُتـری (درباره جنگ قائم با بتریه نک. پاکروان، ۱۹۶–۲۰۲) را از دم تیغ می‌گذراند.

بررسی إسناد– متن: بخش‌هایی از این روایت در منابع دیگـر امـامی آمـده اسـت، امـا بخش تحریق و نیز کل روایت در هیچ منبعی نیست. به عبـارتی د–۲ تجمیعـی از روایـات مختلف بعلاوه مجعولات مؤلف است که به سایر منابع نیز راه پیدا نکرده است.

در این روایت نیز برخی راویان مهمل و مجهول‌اند (نمودار۱/د–۲). *دلائل‌الامامه* مملـو از روایاتی با سبک داستان‌سـرایی و قصـه‌پـردازی اسـت، چنانکـه (د–۲) نیـز بـا چنـین پردازش‌هایی فربـه شـده اسـت. راوی روایـت، ابوجـارود اسـت و جالـب اینجاسـت کـه بخش‌هایی از این روایت به نقل از همو در منابعی متقدم بر *دلائـل* آمـده: ۳۱۳ نفـر بـودن اصحاب قائم (نعمانی، ۳۱۵)، حکومت ۳۰۹ ساله قائم مانند اصحاب کهف، عدالت‌گسـتری قائم، فتح شرق و غرب عالم، کشتن غیرمسلمانان، هم‌سیره‌بودن قائم بـا سـلیمان (طوسـی، *الغیبة*، ۴۷۴)، به کوفه رفتن قائم، کشتار بتریه، کشتار جنگجویان کوفه تـا زمـانی کـه خـدا راضی شود (مفید، ۳۸۴/۲). گویا مؤلف *دلائل* این روایات ابوجارود را با افزوده‌هایی دیگر به سبک داستانی، پردازش و با إسنادی که دو راوی آن نیز ساختگی است به امـام‌بـاقر﵇ منسوب کرده است. میان این روایت با (هـ–۱) شباهت‌های مفهومی وجود دارد:

– در هر دو روایت تعیین جای قبر، بیرون آوردن از قبر، تروتازه بودن بدن به هنگام بیـرون کشیدن از قبر، امتحان و ابتلای مردم، سوزاندن و مجازات طرفداران شیخین آمده است.

– در (هـ–۱) دو بار مجازات و کشته شدن هواداران شـیخین آمـده اسـت. (د–۲) نیـز حاکی از کشته شدن ۵۰۰ نفر از آن‌هاست.

– در هر دو روایت قائم به کوفه می‌رود و در آنجا جنگ‌های گسترده‌ای رخ مـی‌دهـد؛ البته با داستان‌هایی متفاوت. این ماجرا فقط در این دو روایت آمده است.

– در (هـ–۱) شیخین با آتشی که به در خانه علـی﵇ بردنـد سـوزانده مـی‌شـود. ایـن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

گفتمان مطابق فضای تناسخی نصیریان است زیرا این همان آتشی است که برای ابـراهیم و خاندان پیغمبر افروخته شد. در (د–۲) به‌جای آتش، هیزم آمده که نـزد اهـل‌بیـت بـه ارث محفوظ مانده است.

– در (هـ–۱) دوگانه ضلال و وبال کنایه به شـیخین اسـت و در (د–۲) ازرق و زریـق. این اصطلاح برای شیخین تنها در این منبع آمده است.

بنابراین روایت (د–۲) نیز متأثر از *الهدایةالکبری* و سایر روایات محفل غالیان است.

روایـت د–۳: این روایت خبری مرسل پیرامون تشرف علی‌بن‌ابراهیم‌بن‌مهزیار است. بـه ابن‌مهزیار که در جستجوی صاحب‌الزمان است بشارت تشرف داده می‌شود. او پس از طـی مسافتی و گذراندن وقایعی به محضر امام می‌رسد. امام ضمن طرح سؤالاتی از او بـه بیـان برخی وقایع قبل از ظهور و برخی اقدامات بعد از ظهورش می‌پردازد که ضمن آن با ۱۰ کد به مجازات شیخین هم اشاره می‌کند: با مردم حج به جا می‌آورم و به مدینـه مـی‌روم (C1). حجره را خراب می‌کنم (C2) و آن دو را تروتازه بیرون می‌کشـم (C3, A2). بـه آن دو امـر می‌کنم به بقیع برونـد (C6) و بـه دو شـاخه خشـکیده‌ای کـه شـیخین بـه آن‌هـا مصـلوب شده‌اند (C7) دستور می‌دهم تا از زیر آن‌ها برگ بیرون بیاید (A1). ابتلای مردم در این روز شدیدتر از ابتلای نخستین آن‌هاست (B2).

سپس منادی از آسمان ندا می‌دهـد ای آسـمان نـابود کـن و ای زمـین در خـود فـرو ببر (C18, D5). در این روز جز مؤمنی که خدا قلبش را از ایمـان خـالص کـرده اسـت در زمین باقی نمی‌ماند. ابن‌مهزیار می‌گوید پرسیدم بعد از آن چه می‌شود؟ امام پاسخ می‌دهـد: کره، کره، رجعت، رجعت. سپس آیه **ثُمَّ رَدَدْنا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمْدَدْناكُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْناكُمْ أَكْثَرَ نَفِيراً** (الاسراء، ۶) را تلاوت می‌کند.

بررسی إسناد– متن: روایات تشرف ابن‌مهزیار در منابع متقدم‌تـری چـون *کمـال‌الـدین* (صدوق، ۴۴۵/۲–۴۵۳ و ۴۶۵–۴۷۰) و *الغیبه* (طوسی، *الغیبة*، ۲۶۳) بـا إسـناد و متـونی متفاوت با شباهت‌های مضمونی آمده ولی مساله تحریق فقط در این روایت ذکر شده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

در قرن هشتم مختصری از د–۳ را حسن‌بن‌سلیمان‌حلی بـه نقـل از *السـلطان‌المفـرج*[۱] اثـر استادش نیلی‌نجفی با إسناد مرسل از ابن‌مهزیار ذکـر کـرده اسـت (حلـی، *مختصرالبصـائر*، ۴۳۰). *بحار* نیز از همین طریق روایت را آورده اسـت (مجلسـی، ۱۰۴/۵۳). بحرانـی نیـز روایت را از *دلائل* نقل کرده است (بحرانی، ۱۱۵/۸) (نمودار ۱/د–۳).

إسناد این روایت مرسل که با رُوی شروع می‌شود نیز احتمالاً ساخته مؤلف *دلائل* است و سه راوی مجهول دارد. بخش‌هایی از این روایتِ بازسازی‌شده که سبک داستانی دارد در منابع پیشین آمده است و بخش‌هایی نیز ساخته مؤلف است.

در انتهای (د–۳) آمده است: فَینَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: "یا سَمَاءُ أَبیدِی، وَ یـا أَرْضُ خُـذِی" و پس از آن همه غیرمؤمنان هلاک می‌شوند. برای این عبارت کد خسف در زمین برای شـیخین و نیز طرفداران آن‌ها در نظر گرفته شده است زیرا مشابه گزاره‌هایی پیرامـون خسـف سـفیانی در بیداء است: فَینَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ یا بَیداءُ أَبیدِی الْقَوْمَ فَیخْسِفُ بِهِم (نعمـانی، ۲۸۰). در (هـ–۲) نیز خسف شیخین در بیداء آمده بود و این عبارت نیز متأثر از همانست.

ذکر عبارتی در انتهای این روایت می‌تواند مؤید دیگری از تأثیرپـذیری آن از *الهـدایـة* باشد. عبارت "الکرّة البیضاء و الرجعة الزهراء" اصطلاح پرتکرار نصیریان در مفهوم رجعت است (برای نمونه نکـ. خصیبی، *الهدایةالکبری*، ۲۴۴ و ۲۷۲). در انتهای روایت (د–۳) نیـز قولی مشابه آن به امام نسبت داده شده است: الْکرَّةُ الْکرَّةُ، الرَّجْعَـةُ الرَّجْعَـةُ کـه تعبیـری از همان اصطلاح است.

در مجموع (د–۳) مانند سایر روایات *دلائل الامامه* روایتـی ضـعیف و نوسـاخته شـده است. روایتی منفرد، مرسل، با راویانی ضعیف که تجمیعی است از بحث تشرفِ وام گرفته از منابع امامی و مجازات شیخینِ وام‌گرفته از *الهدایة*و سایر منابع نصیریان.

---

۱. در نسخه فعلی این کتاب این روایت وجود ندارد و محقق آن را در مستدرک کتاب ذکر کـرده اسـت: (نیلـی‌نجفـی، *السلطان‌المفرج*، ۹۲).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۵-۳-۲. جمع‌بندی منابع غالی- امامی

این کتاب که ضعف و تأثیرپذیری آن از *الهدایةالکبری* نشان داده شد در مجموع ذیل ۲۲ کد به مجازات شیخین اشاره کرده و سبب برجسته‌سازی این گفتمان شده است.

۵-٤. منابع امامی

مساله مجازات شیخین در منابع متقدم امامی فقط در آثار صدوق آمده است و بعد از وی در آثار نیلی‌نجفی (۸۰۳ ق.) با دو روایت نومتولد روبرو می‌شویم. سایر منابع امامی همین روایات یا روایات *الهدایة* را تکرار کرده‌اند.

۵-٤-۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمه

در دو عبارت موجز و مشابه مجازات شیخین در انتهای دو روایت آمده که جمعاً دارای ۷ کد است (جدول ۹ و نمودار ۲).

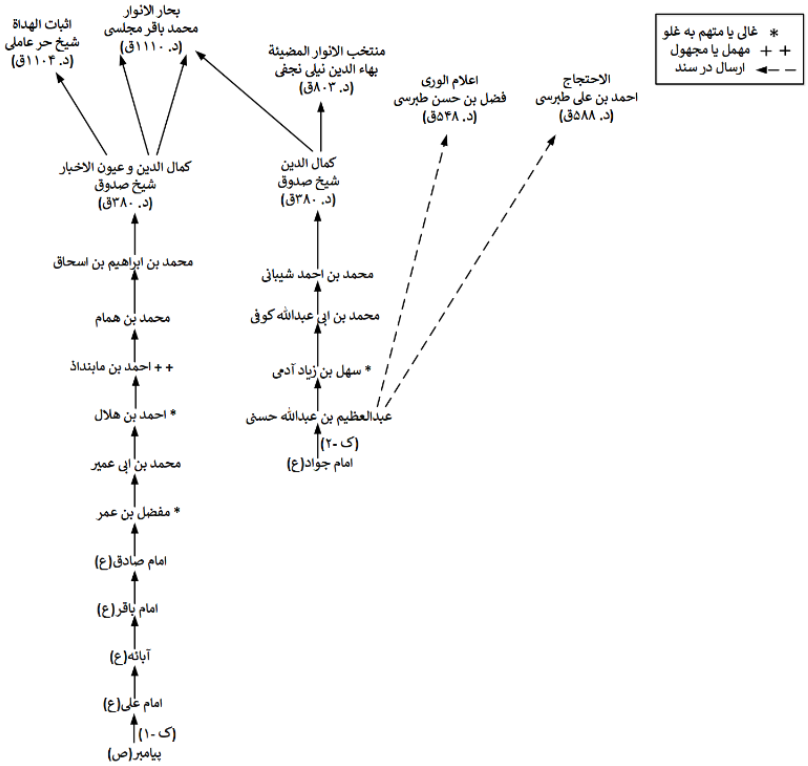

نمودار ۲: إسناد روایات مجازات شیخین در آثار صدوق

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

روایت ک-۱: روایت اول از مفضل‌بن‌عمر به نقل از امام‌صادق‌ﷺ از پیامبرﷺ درباره شب اسراء است. پیامبر تک‌تک ائمه را معرفی و بعد از ذکر قائم به انتقام‌گیری او اشاره می‌کند. ناگهان در عبارتی کوتاه بیرون آوردن لات و عزی از قبر (C3) و سوزاندن آن‌ها بیان می‌شود (C9)، درحالی‌که تروتازه‌اند (A2) و فتنه ایشان از فتنه عجل و سامری سخت‌تر است (B2).

بررسی إسناد- متن: عبارت تحریق در (ک-۱) تلخیص بسیار موجزی است از روایاتی که پیش‌تر در حلقات غالیان وجود داشته است. عبارت سخت بودن فتنه آن روز نیز پیش‌تر در منابع نصیری (ح و ف) آمده بود. همچنین خصیبی در انتهای سروده‌اش در جنبلاء (پیش از ۲۸۷ ق.) که به ماجرای تحریق پرداخته می‌گوید ابیاتش حجتی است برای طرفداران عجل و سامری (خصیبی، مرهج، ۴۲۴-۴۳۶).

راوی ک-۱ مفضل‌بن‌عمر است، همو که راوی اصلی روایت مفصل رجعت در *الهدایهٔ* (هـ-۱) و گفتمان تحریق است. چنانکه در مقاله ۱ بیان شد غالیان به مفضل‌بن‌عمر توجه ویژه‌ای داشتند و روایات زیادی را بر او حمل می‌کردند. در إسناد ک-۱ احمدبن‌هلال نیز غالی (طوسی، *رجال*، ۳۸۴) ملعون و مذموم از ناحیه امام‌عسگریﷺ و امام‌زمان (کشی، ۸۱۶/۲؛ طوسی، *الغیبة*، ۳۵۳؛ حلی، *رجال*، ۲۰۲) است. احمدبن‌مابُنداذ هیچ توثیق یا تضعیفی در منابع رجالی ندارد و مهمل است. او پسرعموی پدرمحمدبن‌همام‌بن‌سهیل‌اسکافی است. تنها اطلاع درباره او ماجرای اسلام آوردن پدرش از مجوس به اسلام است. بعد از اسلام آوردن او برادرش سهیل و فرزندانشان نیز مسلمان می‌شوند (نجاشی، ۳۷۹-۳۸۰؛ خویی، ۲۰۴/۲) در مقاله ۱ تحلیل شد که روایت تحریق می‌تواند متأثر از گرایش‌های مذهبی و ایرانی شکل گرفته باشد. به عبارتی دو راوی غالی و یک راوی ایرانی این إسناد می‌توانند در صورت‌بندی این گفتمان نقش داشته باشند.

از سوی دیگر بررسی روایت شب اسراء دربردارنده نکات مهمی است. این روایت با ۱۲ تحریر در منابع شیعی و سنی آمده است (جدول ۷). إسناد این روایات نیز متفاوت است که برای اختصار از آوردن آن‌ها خودداری شده است. مضمون کلی این روایات

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

معرفی اهل‌بیت به‌عنوان حجج الهی به پیامبر در شب اسراء است. سپس از مهدی علیه‌السلام به‌عنوان فردی برجسته در این خاندان یاد و برخی صفات ایشان بیان می‌شود. در همین قسمت است که فقط در یک تحریر مجازات شیخین آمده است (سطر ۸).

جدول ۷: مضمون روایات شب اسراء

	قرن	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۵	۷	۱۰
ردیف	منبع / مضمون	تفسیر فرات کوفی	تفسیر فرات کوفی	الغیبه نعمانی	کمال‌الدین / عیون‌الاخبار	کفایه (۱)	کفایه (۲)	مقتضب (۱)	مقتضب (2)	الغیبه طوسی	مائة منقبة	الطرائف	تأویل الآیات
۱	سخن یک یهودی در آگاهی از نام ائمه								✓				
۲	سخن ابوذر در فضل اهل بیت و گفتگو با پیامبر						✓						
۳	سخن خدا: درباره علی علیه‌السلام با پیامبر	✓	✓	✓				✓		✓	✓	✓	✓
۴	سخن خدا: درباره پنج تن و وعده دوزخ برای منکران	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		✓	✓	✓	✓
۵	سخن خدا: نام دوازده امام و درخشش نام مهدی		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۶	سخن خدا: معرفی ائمه، مهدی ثائر و منتقم		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۷	مهدی آرامش‌بخش، شفابخش، عدالت‌گستر				✓	✓	✓						
۸	خارج کردن لات و عزی تر و تازه و سوزاندن آن‌ها				✓								
۹	استواری آسمان به واسطه اهل‌بیت										✓		
۱۰	سخن خدا: دوست داشتن اهل‌بیت و دوستدارانشان			✓				✓					
۱۱	بیان اسماء ائمه در تورات							✓	✓				
	آدرس	۷۳ ۷۴	۷۴ ۷۵	۹۳ ۹۴	ج۱ ۲۵۲-۲۵۳ ج۱ ۵۸-۵۹	۱۵۲ ۱۵۳	۶۹ ۷۳	۲۶ ۲۹	۳۲ ۳۹	۱۴۷ ۱۴۸	۳۷ ۴۰	ج۱ ۱۷۲ ۱۷۳	۱۰۴ ۱۰۵

طبق جدول ۷ متقدم‌ترین منبع روایت شب اسراء تفسیر فرات‌کوفی (۳۰۷ ق.) است که با دو إسناد روایت را آورده و در آن سخنی از مجازات نیست. در مجموع تحریرهای مختلف این خانواده حدیثی به ۱۱ مضمون اشاره دارند که مضامین ۳ تا ۶ در عموم این روایات مشترک است. مقایسه إسناد- متن تحریرها نشان می‌دهد که این روایت دارای هسته و بخش اصیلی بوده که با طرق مختلف نقل شده است. بخش‌هایی نیز به آن افزوده شده و به نظر می‌رسد که تحریق شیخین یکی از همین عبارات است. بررسی مضامین و مقایسه آن‌ها با هم نیز گواهی بر افزوده شدن عبارات مجازات است چون با بافت و فضای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

روایت سازگار نیست. جالب اینجاست که منابع روایی و تفسیری تا قرن دهم، تحریری را آورده‌اند که در آن‌ها سخنی از مجازات نیست. در قرن یازدهم مجلسی و حرعاملی روایت را از صدوق نقل کرده‌اند. مجلسی دوبار روایت را آورده که یک‌بار آن خلاصه‌تر است. (حرعاملی، ۴۸/۲؛ مجلسی، ۲۴۵/۳۶؛ ۳۷۹/۵۲) (نمودار ۲/ک-۱)

روایت ک-۲: در روایتی عبدالعظیم‌حسنی به امام جواد﵇ می‌گوید: امیدوارم شما همان قائم‌آل‌محمدﷺ باشید که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانکه پر از جور و ستم شده است. امام می‌فرماید همه ما قائم به امرالهی و هدایت‌گران به‌سوی دین خداییم. آنگاه ضمن بیان برخی ویژگی‌های خاص امام دوازدهم ناگهان مجازات شیخین را در ۸ واژه مطرح می‌کند. این عبارت دارای ۳ کد تعیین جای قبر، بیرون آوردن از قبر و سوزاندن است (C1,C3,C9).

بررسی إسناد- متن: در إسناد (ک-۲) سهل‌بن‌زیادآدمی (نجاشی، ۱۸۵)، از راویان کثیرالحدیث قرن سوم از امام‌جواد﵇ تا امام‌حسن‌عسگری﵇ است. وی متهم به غلو و تضعیف و توثیق او اختلافی است (نکـ. مهدوی، سراسر کتاب). با لحاظ کردن نضج و انتشار روایت تحریق در حلقه غلات، این بخش روایت می‌تواند متأثر از سهل‌بن‌زیادآدمی باشد.

گفتنی است اولین منبعی که بعد از *کمال* این روایت را آورده *کفایه‌الاثر* است. خزاز بدون عبارت پایانی یعنی مجازات، روایت را نقل و به‌جای آن نوشته است "والحدیث بتمامه" (خزازقمی، ۲۸۲). این اصطلاح را خزاز دیگر بار در روایتی به نقل از صدوق (خزازقمی، ۲۲۰) آورده که جایگزین چند خط پایانی همان روایت صدوق است. این شگرد محدثان برای عدم تکرار است. اما سوال اینجاست که در روایت مدنظر "والحدیث بتمامه" آیا ناظر بر عبارت مجازات است؟ اطمینانی بر این امر نیست، زیرا این روایت از ابوعبدالله‌خزاعی است نه صدوق. همچنین جایگزینی ۸ واژه با این اصطلاح منطقی نیست. در دو إسناد *کمال* و *کفایه* تنها راوی اول یعنی محمدبن‌احمدشیبانی و ابوعبدالله‌خزاعی متفاوت‌اند. آن‌ها شیوخ صدوق و خزازقمی‌اند (خویی، ۵۶/۱۶؛ امین، ۱۵۵/۶). چه‌بسا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

عبارت پایانی افزوده شیبانی، شیخ صدوق باشد یا اینکه حذف آن کار ابوعبدالله‌خزاعی یا خـود خزازقمی؛ همچنین ممکن است خزاز نسخه‌ای داشته که این عبارت در آن نبوده است.

نکته قابل توجه آنکه همه اجزای این روایت در روایات دیگر نیز آمـده اسـت. فقـرات (ک-۲) در جدول۸ آمده و در ستون روایات مشابه، عبارات سایر روایات *کمال* کـه دقیقـاً مشابه عبارت موردنظرند ذکر شده است. گویی (ک-۲) تجمیعی از بخش‌های روایات دیگر است. جالب اینجاست که إسناد روایت ردیف ۲ همـان إسـناد (ک-۲) اسـت. بـا در نظـر گرفتن این اشتراکات ممکن است یکی از راویـان (ک-۲) ایـن روایـت را بـا گـزاره‌هـای مختلف روایی فربه کرده و عبارت آخر را نیز از (ک-۱) بدان افزوده باشد (سطر۸).

جدول ۸: تشابه‌یابی عبارات روایت ک-۲ در سایر روایات کمال‌الدین

ردیف	فقرات (ک-۲)	فقرات مشابه در سایر روایات	آدرس از *کمال*
۱	قُلْتُ لِمُحَمَّدِبن‌عَلِی‌بن‌مُوسَی ع إِنِّی لَـأَرْجُو أَنْ تَکونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَیتِ مُحَمَّـدٍ الَّـذِی یمْلَـأُ الْـأَرْضَ قِسْـطاً وَ عَـدْلًا کمَـا مُلِئَـتْ جَـوْراً وَ ظُلْماًفَقَالَ ع یا أَبَا الْقَاسِمِ مَا مِنَّا إِلَّا وَ هُوَ قَـائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هَادٍ إِلَی دِینِ اللَّهِ وَ لَکـنَّ الْقَائِمَ الَّذِی یطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِـنْ أَهْلِ الْکفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ یمْلَؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطاً	دَخَلْتُ عَلَی مُوسَی‌بن‌جَعْفَـرٍ ع فَقُلْـتُ لَـهُ یـا ابْـنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ فَقَالَ أَنَا الْقَائِمُ بِـالْحَقِّ وَ لَکنَّ الْقَائِمَ الَّذِی یطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَـزَّ وَ جَلَّ وَ یمْلَؤُهَا عَدْلًا کمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً	۳۶۱/۲
۲	هُوَ الَّذِی تَخْفَی عَلَـی النَّـاسِ وِلَادَتُـهُ وَ یغِیـبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ	فَلِذَلِک تَخْفَی وِلَادَتُهُ وَ یغِیبُ شَخْصُهُ	۳۰۳/۱
۳	یطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْکفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ یمْلَؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطاً هُوَ الَّذِی تَخْفَی عَلَی النَّاسِ وِلَادَتُهُ ... وَ هُـوَ الَّـذِی تُطْوَی لَهُ الْأَرْضُ	یطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ کلِّ جَوْرٍ وَ یقَدِّسُهَا مِنْ کلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِی یشَک النَّاسُ فِی وِلَادَتِـهِ ... وَ هُـوَ الَّذِی تُطْوَی لَهُ الْأَرْضُ	۳۷۲/۲-۳۷۱
۴	یطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ... وَ یمْلَؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطاً هُوَ الَّذِی تَخْفَی عَلَـی النَّـاسِ وِلَادَتُـهُ وَ یغِیـبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ یحْرُمُ عَلَیهِمْ تَسْمِیتُهُ وَ یذِلُّ لَـهُ کلُّ صَعْبٍ	یغِیبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ ... وَ یذَلَّلُ لَـهُ کـلَّ صَعْبٍ... تَخْفَی عَلَی النَّاسِ وِلَادَتُهُ وَ لَـا یحِـلُّ لَهُـمْ تَسْمِیتُهُ حَتَّی یظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَیمْلَـأُ الْـأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً	۳۶۹/۲-۳۶۸
۵	یجْتَمِعُ إِلَیهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَـةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا ... ذَلِک قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَینَ ما تَکونُوا یأْتِ بِکمُ اللَّهُ جَمِیعاً	ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ... وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ أَینَ ما تَکونُوا یـأْتِ بِکـمُ اللَّـهُ جَمِیعاً	۶۵۴/۲
۶	یجْتَمِعُ إِلَیهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَـةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا ...فَإِذَا اجْتَمَعَـتْ لَـهُ هَـذِهِ	وَ اجْتَمَعَ إِلَیهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًـا ...فَـإِذَا اجْتَمَعَ إِلَیهِ الْعِقْدُ وَ هُوَ عَشَرَةُ آلَافِ رَجُلٍ خَرَجَ	۳۳۱ /۱

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

ردیف	فقرات (ک-۲)	فقرات مشابه در سایر روایات	آدرس از *کمال*
	الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّـهُ أَمْـرَهُ فَـإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشَرَةُ آلَافِ رَجُلٍ خَرَجَ		
۷	فَلَا يزَالُ يقْتَلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. قَالَ عَبْدُ الْعَظِيمِ فَقُلْتُ لَهُ يا سَيدِی وَ كيفَ يعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ رَضِی قَالَ يلْقِی فِـی قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ	فَلَا يزَالُ يقْتَلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْتُ وَ كيفَ يعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ رَضِی قَالَ يلْقِی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِی قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ	۳۲۹/۱
۸	فَـإِذَا دَخَـلَ الْمَدِينَـةَ أَخْـرَجَ اللَّـاتَ وَ الْعُـزَّى فَأَحْرَقَهُمَا	فَيخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى طَـرِيين فَيحْرِقُهُمَـا فَلَفِتْنَـةُ النَّاسِ يوْمَئِذٍ بِهِمَا أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَ السَّامِرِی	۲۵۳-۲۵۲/۱

این روایتِ دارای إسنادی منفرد در قرن ششم به‌صورت مرسل از عبدالعظیم‌حسنی ذکر شده است (طبرسی، *الاحتجاج*، ۴۴۹/۲؛ طبرسی، *إعلام‌الوری*، ۴۳۵-۴۳۶). نیلی و مجلسی نیز روایت را از *کمال* آورده‌اند (نیلی‌نجفی، *منتخب الأنوارالمضیئة*، ۱۷۶-۱۷۷؛ مجلسی، ۲۸۳/۵۲) (نمودار۲/ ک-۲). مجلسی یک‌بار نیز روایت را از *کفایةالاثر* ذکر کرده که عبارت تحریق را ندارد (مجلسی، ۱۵۷/۵۱).

۵-٤-۲. منتخب‌الانوارالمضیئه

نیلی‌نجفی (د. ۸۰۳ ق.) چند اثر در موضوع امام‌زمان دارد. در این کتابش ضمن دو روایت و ۱۴ کد به موضوع مجازات شیخین پرداخته است (جدول۹ و نمودار۳).

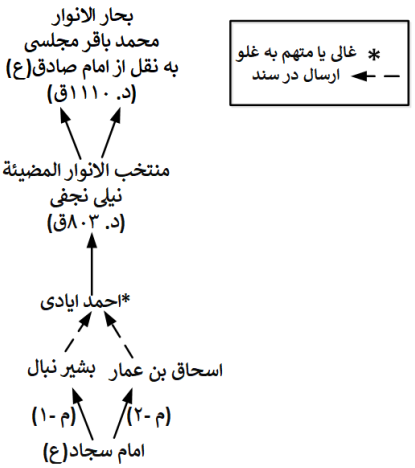

نمودار ۳: إسناد روایات مجازات شیخین در *منتخب‌الانوارالمضیئة*

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

روایت-۱: مؤلف در این کتاب مرفوعا از امام سجاد﵇ نقل می‌کند اولین کار قائم بیرون آوردن شیخین از قبر است (C3) درحالی‌که تروتازه‌اند (A2)، آن‌ها را می‌سوزاند (C9) و خاکسترشان را به باد می‌دهد (C16). در ادامه نیز برخی اقدامات قائم درباره مسجد بیان شده است.

بررسی إسناد- متن: این روایت به لحاظ إسناد دارای اشکال است. اولاً بشیرنبال از یاران امام‌باقر﵇ و امام‌صادق﵇ است. مجلسی همین روایت را مرفوعا از بشیرنبال از امام‌صادق﵇ نقل کرده است. بنابراین امام‌سجاد﵇ در تحریر نیلی غلط است. علاوه براین سند روایت مرفوعا از احمدبن‌محمدایادی است. او مجهول است. احتمال دارد نیلی نام راوی را اشتباه ذکر کرده باشد و منظور احمدبن‌علی‌ایادی باشد، زیرا او صاحب کتابی با نام *الشفاء والجلاء فی‌الغیبة* است. وی در منابع رجالی کذاب و متهم به غلو معرفی شده است (ابن‌غضائری، ۴۳؛ طوسی، *فهرست کتب الشیعة و اصولهم*، ۷۶). در (م-۱) اولین کار قائم مجازات شیخین است. این روایت بخشی از روایتی است که در آن اولین اقدام قائم خراب کردن سقوف مساجد و بازسازی آن‌ها همچون عریش موسی است:

وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﵇ أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِهِ قَائِمُنَا سُقُوفُ الْمَسَاجِدِ فَيكسِّرُهَا وَ يـأْمُرُ بِهَـا فَيجْعَـلُ عَرِيشاً كعَرِيشِ مُوسَى (صدوق، *من‌لایحضره‌الفقیه*، ۲۳۶/۱) (۱) (۲) در م-۱ میان عبارت اول و دوم، مجازات شیخین اضافه و بعد قسمت دوم روایت فوق تلخیص شده است. درنهایت باید گفت این روایت نومتولد در قرن هشتم نه إسناد درستی دارد و نه متن تجمیعی آن قابل اعتماد است.

روایت م-۲: در روایت مرفوعی از اسحاق‌بن‌عمار که دارای ۹ کد است آمده: قائم که می‌آید و تصمیم می‌گیرد قبر را خراب کند خداوند باد شدید و رعدوبرق می‌فرستد (A4) تا آنجا که مردم می‌گویند به‌خاطر این تصمیم این اتفاق افتاده است. ازاین‌رو یارانش از کنار او پراکنده می‌شوند و هیچ‌کس با او نمی‌ماند (B1). اما وقتی با تیشه اولین ضربه را می‌زند یارانش با دیدن این صحنه برمی‌گردند. در آن روز فضیلت هرکس در سبقت او به پیوستن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

به قائم است. آنگاه قبر را خراب می‌کند و شیخین را از قبر بیرون می‌کشد (C2,C3) در حالی که تروتازه‌اند (A2)، از آن‌ها برائت می‌جوید و لعن‌شان می‌کند (C20)، سپس دارشان می‌زند، می‌سوزاندشان و خاکسترشان را به باد می‌دهد (C7,C9,C16).

بررسی إسناد-متن: این روایت مرفوعا از اسحاق‌بن‌عمار نقل شده است. مجلسی نیز روایت را از همو ولی از امام‌صادق﵇ آورده است. إسناد این روایت نیز ضعیف و عبارت‌پردازی آن نیز نوساخته در قرن هشتم است و می‌تواند متأثر از آثار پیشین چون *دلائل‌الامامه* باشد. واژه حائط برای قبر پیش‌تر در (د-۲) آمده بود. اتفاقی چون آثار عذاب الهی به‌عنوان ابتلای مردم در مقابل سرسبز شدن درخت گفتمان جدید این روایت است. بعد از نیلی‌نجفی هر دو روایت در *بحارالانوار* و در *اثبات‌الهداه* نیز مختصری از آن‌ها آمده است (مجلسی، ۳۸۶/۵۲؛ حرعاملی، ۲۱۳/۵).

۵-٤-۳. جمع‌بندی روایات امامی

از ۴ روایت با إسناد منفرد در منابع امامی، دو روایت آن متأخر و إسناد آن مرفوع است. در منابع متقدم فقط صدوق به این موضوع اشاره کرده و عبارات وی دارای دو ویژگی است: الف. دو عبارات در انتهای دو روایت و بی‌مقدمه آمده است؛ ب.دو عبارت کوتاه است و شباهت زیادی با یکدیگر دارند.[۱] درباره این روایات احتمالات زیر قابل بررسی است:

۱. این دو عبارت اگرچه از معصومین و در منابع امامی نقل شده است ولی با توجه به آنکه ریشه گفتمان تحریق به غالیان برمی‌گردد می‌تواند متأثر از راویان غالی یا ایرانی این دو روایت باشد.

---

۱. ک-۱: ک-۱: فیخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى طَرِيين فَيحْرِقُهُمَا فَلَفِتْنَةُ النَّاسِ يوْمَئِذٍ بِهِمَا أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَ السَّامِرِی؛ ک-۲: فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى فَأَحْرَقَهُمَا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۲. روایت ک-۲ تجمیعی است و قسمت پایانی آن می‌تواند مختصری از روایت‌اسراء باشد.

۳. صدوق تحت تأثیر مکتب قم و به‌ویژه استادش ابن‌ولیدقمی، نسبت به گروه‌های رسمی غلات و مفوضه بسیار سخت‌گیر بوده است، اما این بدان معنا نیست که تعالیم نزدیک به آنان را، اگر در دیگر محافل و مکاتب مختلف حدیث شیعی می‌یافته در آثارش روایت نکند. وی تا آنجا که اشکال روشنی در دفاتر حدیثی که نزد او بوده وجود نداشته، در روایت از آن دفتر منعی نمی‌دیده است (نک. انصاری، ۱۳۷-۱۳۸). بنابراین محتمل است گفتمان غلات درباره مجازات شیخین به شکل کمرنگ شده‌ای به این دو روایت راه یافته باشد. وجود اصل تبری که از اصول کلامی و اعتقادی شیعیان است می‌تواند در پذیرش این روایت نقش داشته باشد. با مقایسه برخی روایات صدوق با دیگر منابع امامی درمی‌یابیم او در مواردی روایات را تقطیع یا مختصر می‌کرده است (نک. جعفری، اوحدی، ۱۵۷-۱۹۰؛ سلیمانی بهبهانی، عارفی، ۹۲-۱۲۶). چه‌بسا روایت مطرح‌شده در حلقه غلات به دفاتر حدیثی شیعه نیز وارد شده و صدوق از قصه‌سرایی آن کاسته باشد. همچنین الفاظ و عبارات متناسب‌تر با گفتمان تقیه امامی را جایگزین عبارات خاص و تند آن کرده باشد که نهایتاً به شکل یک یا دو عبارت پایانی این دو روایت درآمده است.

۴. با توجه به عبارت‌پردازی دو قطعه به لحاظ شباهت و نیز قرارگرفتن هردو در بخش پایانی دو روایت -آن‌هم بی‌مقدمه- محتمل است این عبارت افزوده ناسخان به روایت باشد. برای بررسی این احتمال نسخ خطی که به بعد از قرن نهم هجری‌قمری می‌رسند بررسی شدند که همگی حاوی عبارات تحریق‌اند. بنابراین اگر این احتمال قابل‌طرح باشد به نسخ قدیمی‌تر این کتاب می‌رسد که اینک در دست ما نیست.

۶. نتایج مقاله

۱. مضمون مجازات شیخین با اختلاف قابل توجهی بیش از همه در آثار نصیری بازتاب دارد (۹۹ کد/ جدول ۹). تعداد کدها در منابع غالی- امامی و امامی تقریبا یکی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

است (۲۰–۲۱کد)، البته از ۲۱ کد در منابع امامی، ۷ کد آن مربوط به منابع متقدم و بقیه به قرن هشتم می‌رسد. راوی سه روایت مفضل‌بن‌عمر است که درباره جایگاه وی نزد غالیان در مقاله ۱ بحث شده است.

۲. جدول ۱۰ در پیوست روایات مجازات شیخین را در منابع روایی شیعی تا پایان قرن دهم (سده اول دوره صفویه) نشان می‌دهد. طبق این جدول، پیش از صدوق (روایات ک–۱ و ک–۲) حداقل ۵ منبع از منابع غلات این مضمون را آورده‌اند که به روشنی بیانگر ریشه روایت به لحاظ وابستگی فرقه‌ای است. در منابع امامی متقدم از این روایت استقبال نشده و به جز *کمال‌الدین*، سایر کتب معتبر امامی خالی از این روایت جانبدارانه است. تا قبل از کتب متاخری چون *بحارالانوار* روایات تحریق در کتاب ضعیف و غالیانه *دلائل‌الامامه* بیشترین بازتاب را داشته است.

۳. در دوره صفویه و با گسترش جریان اخباری‌گری مجازات شیخین نشر گسترده‌ای در منابع پیدا کرده است. مجلسی علاوه بر روایات یادشده روایت مفصل رجعت (هـ–۱) را نیز دو بار آورده است. نمودار۴ وضعیت کتاب *بحار* را در برجسته‌سازی این گفتمان نشان می‌دهد.

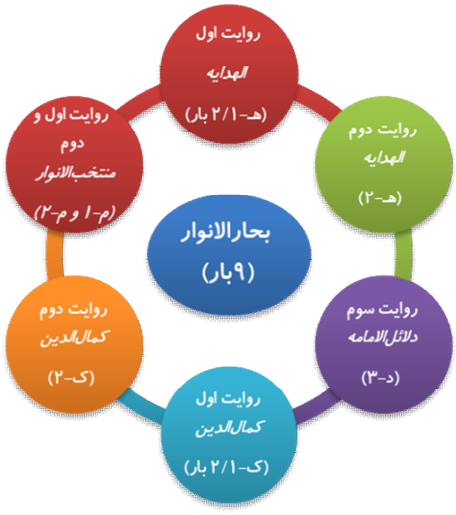

نمودار ۴: بسامد روایات مجازات شیخین در *بحارالانوار*

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۴. بررسی‌ها نشان داد ریشه این روایات به غالیان و نصیری‌ها می‌رسد و جریان شعوبی‌گری و گرایش‌های غالیانه باعث استقبال از این روایت شده است. اگرچه اصل تبرّی – از آموزه‌های اساسی و قابل دفاع امامیه – نیز در رواج این روایت تأثیر داشته، چنین عذاب و خشونتی، با رویکرد تناسخ محور غالیان سازگارتر است، زیرا آنان همه عقوبت‌های اخروی را بر مواقف دنیا حمل می‌کنند، حال آن‌که نزد امامیه بحث رجعت و آخرالزمان قرار نیست جای آخرت را بگیرد.

۵. پیشوای دوازدهم برای نجات‌بخشی و ایجاد الفت و اتحاد میان تمامی اهل زمین ظهور خواهد کرد و نه برای برافروختن آتش خشم و کین و جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی. منجی مبتنی بر تبیین و هدایت‌گری، انسان‌ها را به حق و حقیقت دعوت خواهد کرد و برای گسترش عدالت و اسلام راستین نیازی به سوزاندن و خاکستر بر باد دادن نخواهد داشت.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

پیوست

جدول ۹: کدگذاری روایات مجازات شیخین در منابع روایی فرق شیعی

منبع	فرقه	راوی	معصوم	حوادث خارق العاده مرتبط با شیخین A	ابتلاء مردم به سبب حوادث خارق‌العاده B	مجازات شیخین C	مجازات طرفداران شیخین D	محاکمه شیخین و طرفداران E	جمع
ح	نصیری	جابربن‌یزید	امام باقر(ع)	A1	B2	C7 C1 C3 C6	—	—	۶
ف		ابوبصیر	امام باقر(ع)	A2	B2	C3 C9 C16	—	—	۵
س		—	—	(A1*3) (A2*3)	(B1*4)	(C1*3) (C3*4) (C7*4) (C9*3) C12 C13 C16 (C17*2)	—	—	۲۹
هـ-۱		مفضل‌بن‌عمر	امام صادق(ع)	A1 (A2*2)	(B1*2)	(C7*2) C1 (C3*4) C4 (C8*2) (C9*2) C10 C11 C16 (C17 *2) (C19*2)	D2	E2 E3	۲۷
هـ-۲		عامربن وائله	امام علی(ع)	A1 A2	(B1*2)	C17 C1 C3 C7 C9 C15 C18	D1	—	۱۲
ب		یحیی‌بن‌ام‌طویل	امام سجاد(ع)	—	—	C11 C13 C14		—	۳
ع		سلمان	امام علی(ع)	—	—	C13	D1	E1	۳
ط		سلمان	امام علی(ع)	A1 A2	B1	C7 C9 C1 C2 C3 C5 C6 C16	D3 D4	E4	۱۴
کش-۱	اسماعیلی	مفضل‌بن‌عمر	امام صادق(ع)	—	—	C1 C2 C3 C7	D1	E3 E5	۷
کش-۲		ندارد	ندارد	—	—	C9 C13	—		۲
د-۱	غالی-امامی	عامربن‌وائله	امام علی(ع)	A2	—	C3 C7	—	—	3
د-۲		ابوجارود	امام باقر(ع)	A2 A3	B1	C1 C2 C3 C9	D1	—	8
د-۳		ابن‌مهزیار اهوازی	امام زمان(ع)	A1 A2	B2	C1 C2 C3 C6 C7 C18	D5	—	10
ک-۱	امامی	مفضل‌بن‌عمر	امام صادق(ع) از پدرانش	A2	B2	C3 C9	—	—	4
ک-۲		عبدالعظیم‌حسنی	امام جواد(ع)	—	—	C1 C3 C9	—	—	3
م-۱		بشیرنبال	امام سجاد(ع)	A2	—	C3 C9 C16	—	—	4
م-۲		اسحاق‌بن‌عمار	امام سجاد(ع)	A2 A4	B1	C2 C3 C7 C9 C20 C16	—	—	9
جمع نصیری: ۹۹ / جمع اسماعیلی: ۹ / جمع غالی-امامی: 21/ جمع امامی: 20									

راهنمای جدول ۱۰:

– در این جدول A بیانگر نقل اولین بار روایت و B نقل دوم از همان منبع در قرن موردنظر است. سطر بالا که بیانگر رویکرد فرقه‌ای است فقط ناظر به A است و مولف B الزاماً از همان فرقه نیست چنانکه روایت هـ-۱ بار اول در یک کتاب نصیری و بار دوم در یک کتاب امامی (*مختصر البصائر*) آمده است (حلی، *مختصر البصائر*، ۴۳۳–۴۵۸).

– اشعار دیوان خصیبی (ش) در قرن سوم و چهارم سروده شده، از این‌رو گزینه A در دو قرن آمده است.

– علامت (*) مربوط به قرن آثاری است که زمان دقیق تألیف آن‌ها معلوم نیست، ولی تخمین آن است که تحریر آن به پیش از قرن موردنظر می‌رسد.

– سه حرف خ – ج – ل علائم اختصاری این کتب‌اند: *مختصرالبصائر*، *الإحتجاج* و *اعلام‌الوری*

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

جدول ۱۰: نقل بار اول (A) و بار دوم (B) روایات مجازات شیخین در منابع روایی شیعی

آثار / قرن	منابع نصیری (ناظر بر A)								منابع اسماعیلی	منابع (غالی-امامی) (ناظر بر A)			منابع امامی (ناظر بر A)			
	ح	ف	ش	هـ-۱	هـ-۲	ب	ع	ط	کش-۱ و ۲	د-۱	د-۲	د-۳	ک-۱	ک-۲	م-۱	م-۲
۳	A*		A						A							
٤		A*	A	A	A	A							A	A		
٥					B (د-۱)		A			A	A					
٦														B (ج) (ل)		
۷												A*				
۸				B (خ)				A*				B (خ)			A	A
۹																
۱۰																

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دارالاضواء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۳. ابن‌شاذان، محمدبن‌احمد، مائة منقبة من مناقب أمیرالمؤمنین و الأئمة، مدرسة الإمام المهدی عجّل الله تعالی فرجة الشریف، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۴. ابن‌غضائری، احمدبن‌حسین. الرجال، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن‌مقاتل قطیعی بغدادی، ابوالفتح محمدبن‌حسن، المجالس النمیریة (الخلاف بین محمدبن‌نصیر و اسحاق الاحمر) در: سلسله التراث العلوی ۱۱، دارلاجل المعرفة، دیار عقل – لبنان.
۶. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۷. اشعری قمی، سعدبن‌عبدالله، المقالات و الفرق، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش.
۸. اکبری، عمیدرضا، نصیریه متقدم، تاریخ، منابع و عقاید، دانشگاه ادیان، قم، در دست چاپ.
۹. امین، محسن، أعیان الشیعة، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. انصاری، حسن، "چند متن مهم از طیف‌های مختلف شیعی درباره قائمیت: کتاب الکشف و ماهیت آن"، سایت بررسی‌های تاریخی، تاریخ نشر: ۱۳۹۳/۶/۶، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۷/۷، آدرس سایت: https://ansari.kateban.com/post/2174.
۱۱. همو، "مروری بر تاریخچه تدوین جوامع حدیثی شیعی، در تشیع امامی در بستر تحول"، نشر ماهی، تهران، ۱۳۹۵ش.
۱۲. بحرانی، سیدهاشم، مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر، مؤسسة المعارف الإسلامیة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. برسی، رجب‌بن‌محمد، مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین، أعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. بزدوی، محمدبن‌محمد، اصول الدین، المکتبة الأزهریة للتراث، قاهره، ۱۴۲۴ ق.
۱۵. پاکتچی، احمد، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل "ابن رستم طبری".
۱۶. پاکروان، مهدیه، استراتژی منجی: جنگ جهانی یا صلح جهانی؟، انتشارات پناه، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۱ ش.
۱۷. همو، ولوی، علی‌محمد، نیلساز، نصرت، "ریشه‌یابی تفکرات غالیانه و شعوبیِ روایات مجازات شیخین در متون نصیریه"، پژوهش دینی، ش ۴۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ ش.
۱۸. جعفری، رسول محمد، اوحدی، مرتضی، "بررسی و نقد شبهات وارده بر وثاقت و مرویات شیخ صدوق"، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، س ۱۴، ش ۴، زمستان ۱۳۹۶.
۱۹. جنبلانی، جنان، ایضاح المصباح در: سلسلة التراث العلوی ۱، دار لاجل المعرفة، دیار عقل–لبنان، بی‌تا.
۲۰. جوهری، احمدبن‌محمد، مقتضب الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر، انتشارات طباطبایی، قم، چاپ اول.
۲۱. حرعاملی، محمدبن‌حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
۲۲. حسین‌بن‌هارون، مختصر البدء و الاعادة در سلسلة التراث العلوی ۶، به کوشش ابوموسی و شیخ موسی، دارلاجل المعرفة، دیار عقل – لبنان، ۲۰۰۶ م.
۲۳. حلی، حسن بن یوسف، رجال (خلاصة الاقوال)، انتشارات الشریف الرضی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
۲۴. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. حمزة بن علی، الرسالة الدامغة للفاسق در: رسائل الحکمة، دار لاجل المعرفة، دیار عقل–لبنان، ۱۹۸۶ م.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۲۶. خزاز قمی، علی‌بن‌محمد. کفایة الاثر فی النصّ علی الائمة الاثنی‌عشر، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۲۷. خصیبی، حسین‌بن‌حمدان، الرسالة الرستباشیة در: سلسلة التراث العلوی ۲، دار لاجل المعرفة، دیار عقل–لبنان، ۲۰۰۶ م.
۲۸. همو، شرح دیوان الخصیبی، به کوشش ابراهیم عبداللطیف مرهج، دیوان القلم.
۲۹. همو، الهدایة الکبری در سلسلة التراث العلوی ۷، به کوشش ابوموسی و شیخ موسی، دارلاجل المعرفة، دیار عقل–لبنان، ۲۰۰۷ م.
۳۰. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. دفتری، فرهاد، تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، فروزان روز، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۳۲. دیلمی، حسن‌بن‌محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، الشریف الرضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. مفردات الفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. سلطانی‌فر، محی‌الدین، رنجبر، محسن، "بررسی اصالت اخبار غیرمسند"، شیعه پژوهی، س ۳، ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۶.
۳۵. سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم، عارفی، محمد مهدی، "روش شناسی کلامی شیخ صدوق"، کلام اسلامی، ش ۹۲، اسفند ۱۳۹۳.
۳۶. سیدبن‌طاووس، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
۳۷. شهرستانی، محمدبن‌عبدالکریم، الملل و النحل، الشریف الرضی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.
۳۸. صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی (۲)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، چاپ دهم، ۱۳۹۳ ش.
۳۹. صدوق، محمدبن‌علی، عیون‌اخبارالرضا، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
۴۰. همو، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۹ ق.
۴۱. همو، من‌لایحضره‌الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۴۲. صفری فروشانی، نعمت‌الله، "محمدبن‌جریر طبری آملی و دلائل الامامة"، علوم حدیث، س ۱۰، ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۴۳. طبرانی، ابوسعید میمون، الجوهریة در سلسله التراث العلوی ۳، به کوشش ابوموسی و شیخ موسی، دار لاجل المعرفة، دیار عقل–لبنان، ۲۰۰۶ م.
۴۴. همو، مجموع الاعیاد در سلسلة التراث العلوی ۳، به کوشش ابوموسی و شیخ موسی، دارلاجل المعرفة، دیار عقل–لبنان، ۲۰۰۶ م.
۴۵. طبرسی، احمدبن‌علی، الاحتجاج علی اهل‌اللجاج، دار النعمان، بیروت، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۴۶. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، اعلام الوری باعلام‌الهدی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.
۴۷. طوسی، محمدبن‌حسن، الغیبة، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۵.
۴۸. همو، رجال، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۷ ق.
۴۹. همو، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، مکتبة المحقق الطباطبائی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۵۰. قاضی عیاض، عیاض‌بن‌موسی، شرح الشفا، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۵۱. کوفی، فرات‌بن‌ابراهیم، تفسیر، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۵۲. کشی، محمدبن‌عمر، اختیار معرفة الرجال، به اختیار محمدبن‌حسن طوسی، موسسهٔ آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۵۳. کیوی، ریمون، کامپنهود، لوک وان، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات توتیا، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۱.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۵۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۵. مجهول المؤلف، دلائل الامامة، ایران، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۶. محمدبن‌نصیر، الانوار النورانیة و الادوار الروحانیة در: سلسلهٔ التراث العلوی ۱، دار لاجل المعرفة، دیار عقل- لبنان، بی‌تا.
۵۷. مفید، محمدبن‌محمدبن‌نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگرهٔ شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۸. منسوب به امیرالمؤمنین، الطاعة متی تقوم الساعة در: سلسلهٔ التراث العلوی ۹، دار لاجل المعرفة، دیار عقل- لبنان، ۲۰۰۸ م.
۵۹. منسوب به جعفربن‌منصورالیمن، کتاب الکشف، به کوشش رودلف اشتروتمان، دار ببیلیون، پاریس، ۲۰۰۸ م.
۶۰. منسوب به محمدبن‌سنان، کتاب الحجب‌والانوار در: سلسلهٔ التراث العلوی ۶، دار لاجل المعرفة، دیار عقل- لبنان، ۲۰۰۶م.
۶۱. منسوب به مفضل‌بن‌عمر، الهفت الشریف، دار الاندلس، بیروت، چاپ دوم.
۶۲. مهدوی، حسن، سهل بن زیاد در آیینه علم رجال، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۶۳. نجاشی، احمدبن‌علی، رجال، مؤسسهٔ النشر الاسلامی، قم، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.
۶۴. نعمانی، ابن‌أبی‌زینب محمدبن‌ابراهیم، الغیبة، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.
۶۵. نوبختی، حسن‌بن‌موسی، فرق الشیعة، دارالأضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۶۶. نیلی‌نجفی، علی‌بن‌عبدالکریم، منتخب الأنوار المضیئة فی ذکر القائم الحجّة، مؤسسة الإمام الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۶۷. ولادیمر ایوانف (به کوشش)، ام‌الکتاب، انتشارات پویا، کلن، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
۶۸. همو، السلطان المفرج، دلیل ما، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
۶۹. هولستی، ال.، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده‌امیری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۸.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]